

صاف و صادق، همچون آئینه

فقر کتابخانه دانشکده و دشواری دسترسی به کتاب‌های کتابخانه‌های دانشگاه‌های دیگر، سختی کار را بیشتر می‌کرد. به توصیه استاد راهنمایم، دکتر زرگری‌نژاد، قرار شد به دیدار دکتر آئینه‌وند بروم که کوتاه‌مدتی بود از مأموریتش، به‌عنوان راینز فرهنگی در دمشق، بازگشته بود. نامش را پیش‌ازاین شنیده بودم و از نوشته‌هایش بهره برده بودم، به‌ویژه کتاب «شک و شناخت» که ترجمه المنقذمن الضلال ابوحامد غزالی بود و انتشارات امیرکبیر آن را در سال ۱۳۶۰ منتشر کرده بود و آتشی به جان جست‌وجوگر و شکاک من در حال‌وهوای دانشجویی‌ام زد. در خانه‌اش به دیدارش رفتم و در کتابخانه‌اش پذیرایم شد. قامتِ میانه، لحن آرام و طمأنینه و تواضع‌اش، قطعه‌های پازلی بودند که همراه با آنچه از او خواننده بودم، تصویر شخصیت او را تکمیل می‌کرد. هم در شناخت گسترده‌تر موضوع و هم در معرفی منابع، بیاری‌ام کرد و اجازه داد از کتابخانه شخصی‌اش استفاده کنم. پس از اتمام تحصیلات و بازگشت به میهن، به دانشگاه تربیت‌مدرس رفتم و در گروه علوم‌سیاسی، با جمعی از بهترین کسانی که می‌شناختم و می‌شناسم، همکاری را آغاز کردم. ریاست دانشگاه، با دکتر آئینه‌وند بود و توفیق بهره‌گیری از علم و اخلاقش، میسر. در اداره دانشکده، با روش خاص خود، علوم انسانی را از بی‌مهری و جفاها محفوظ نگه می‌داشت. آخرین‌باری که موفق به دیدارش شدم، زمانی بود که برای شرکت در همایشی در باب حقوق بشر به پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی دعوت شده بودم. ریاست پژوهشگاه را برعهده‌اش گذاشته بودند و همه از این حُسن انتخاب، شادمان بودند. هنگام صرف ناهار، همانند گذشته، با لحنی پُرشور از دستاوردهای نواندیشان عرب‌زبان و به‌ویژه عبدالجباری، سخن می‌گفت. بیماری و ضعف، اما بر قامتش سایه افکنده نبود و دل‌نگرانی نسبت‌به وضعیت سلامتیش به جانم افتاد. بعداً که شنیدم کار به بستری‌شدن در بیمارستان کشیده است، خواستم به عبادتش بروم که تنظیم زمان مناسب برای دیدار ممکن نشد. حالا که به عبارت کوتاه «دکتر صادق آئینه‌وند، درگذشت» می‌نگرم، به کوتاهی‌ام در بهره‌گیری از معارفش افسوس می‌خورم و به اندک سرمایه‌هایی که هنوز در وادی علوم انسانی برای‌مان باقی مانده‌اند. یادش گرامی باد.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

شنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۴ • ۲۰ رجب ۱۴۳۶ • ۹ می ۲۰۱۵ • سال دوازدهم • شماره ۲۲۹۵ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۱۷ • اذان صبح فردا ۴:۲۸ • طلوع آفتاب ۶:۰۴

روزنامه‌فردا

fardashargh@gmail.com

یادمان

هادی حیدری

cartoononline.persianblog.ir



دکتر صادق آئینه‌وند، استاد ممتاز دانشگاه و رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پنجشنبه شب دیدار حق را لبیک گفت. مورخی که آثار پرشمارش، علاوه بر جامعه علمی کشور، در میان مردم نیز، راوی تاریخ اسلام بود.

میراث فردا

برای استاد «صادق آئینه‌وند»، مردی از تبار تاریخ و صراحت

مرگ چنین خواجه نه کاری است خرد!



غلامعلی ر جایی

خبر خیلی غیرمنتظره بود. مثل خود مرگ. استاد دکتر صادق آئینه‌وند، مورخ متعهد و چهره ماندگار علمی کشور درگذشت! سال‌ها افتخار شاگردی استاد را داشتم اما تأسفم از این سال‌هاست که توانستم به‌دلیل مشغله کاری و برخی مسائل دیگر همچنان از خرمن دانش این عزیز سفرکرده توشه‌ای برچینم. بسیار آرام بود و عمیق، نکته‌سنج بود و دقیق. جدی بود و شفیق. همه را دوست داشت اما حقیقت را از همه بیشتر دوست داشت. تا آخر هم تابع حق و حقیقت ماند.

با اینکه به ظاهر سیاسی نمی‌نمود و کمتر مصاحبه یا سخنی صریح در سیاست گفت اما نگاهی تحلیلی و عمیق به مسائل سیاسی داشت. از تحلیل‌های تاریخی‌اش می‌شد فهمید که دارد به چه آسیب‌ها و باید و نبایدهایی اشاره می‌کند. بسیار از جان‌گرفتن موج افراط‌گرایی مذهبی و فرقه‌ای در جهان اسلام نگران بود و به جَدّ معتقد بود که این افراط‌گرایی نتیجه کم‌کاری علما و دانشمندان و فقهای جامعه اسلامی است که در آگاهی‌بخشی به مردم درباره اسلام اصیل کوتاهی کرده و با عدم ارائه علم خود به مردم در معرض عذاب الهی واقع شده‌اند. دکترایش را در لبنان گرفته بود. از تاریخ اسلام بسیار می‌دانست و در این عرصه صاحب‌نظر و دارای تحلیل‌های دقیق بود.

در قم و تهران استاد بود؛ در دانشگاه‌های تهران، تربیت مدرس، الزهرا و جاهای دیگر. در اغلب مجلات علمی- پژوهشی که در باب تاریخ منتشر می‌شود از او خواسته می‌شد ضمن ارائه گاه‌به‌گاه مقالاتی تحقیقی- که در کنار بیش از ۳۰ جلد تالیف کتاب از ۹۰ مقاله افزون شده‌اند- افتخار دهد نام وی نیز در زمره اعضای هیات علمی آن مجله باشد که متواضعانه می‌پذیرفت. رفتار و سلوکش بیش از آنکه به یک چهره آکادمیک شبیه باشد به یک عالم عارف در سلک روحانیت می‌ماند. وقتی با کسی مواجه می‌شد پس از دست‌دادن و مصافحه در حالی که تبسم بر لب داشت، درحالی که سرش را پایین می‌انداخت به رسم برخی علما، حوزه، گفتارش را به سلم‌کم‌الله ختم می‌کرد. همیشه خوشرو بود و خوش‌برخورد. بیانی مفید و روان داشت.

با دانشجویانش که بی‌شمارند، بسیار متواضع بود و با همه آنها صمیمی. در مشکلات آموزشی که گاه برایشان پیش می‌آمد بسیار دلسوز بود و کارگشا. بر خویش بسیار مسلط بود. به گمانم در این همه سال کسی خشم و ناراحتی او را ندیده باشد. رفتارش با همه دانشجویانش به یک اندازه صمیمی بود. فروتنی در رفتارش موج می‌زد. از صحنه‌های فراموش‌نشدنی من با استاد، شاید حدود ۲۰ سال پیش در ایام حج در بیابان منا بود و در چادر بعثه رهبری. در ایام تشریق در حج آرام بود و کم حرف و غالباً در خویش فرورفته. آخرین دیدارم با استاد در سال گذشته که نه من و نه حضرت استاد تصورش را هم نمی‌کردیم آخرین

ادامه از صفحه اول

آئینه‌وند و آئینه‌داری تاریخ

و احساس امنیت و بالندگی کند. روانش شاد و آرام‌باد.
کنخ زری بود در این خاکدان
کو دو جهان را به جویی می‌شمرد

شاهکار زندگی‌اش، برجستگی‌های بی‌شمار اخلاقی‌اش بود که دنیایی پرده‌غده و پرتلاش را به دریایی آرام و صبور وصل می‌کرد و به هرکس فرصت و رخصت می‌داد که در کنارش آرام بگیرد

در دانشگاه از هر کس که از حق دور می‌ماند و به‌نااروا و جفا و انگ و رنگی گرفتار می‌شد، صادقانه و جوانمردانه دفاع می‌کرد. بحق صادق بود و جوانمرد و جایش خالی در میدان حق و حقیقت.

سامسونگ

SAMSUNG



از ۱۵ اسفند ۹۳ لغایت ۱۲ خرداد ۹۴

فقط با ضمانت
سرویس
۰۲۱-۸۲۵۵
۰۲۱-۸۴۶۴۸۱۰



عیدانه سامسونگ

۳۰ مجموعه لوازم خانگی برای ۳۰ نفر

برای خریداران مانیتورها و پرینترهای سامسونگ

برای اطلاع از شرایط قرعه‌کشی حتماً به سایت سام سرویس مراجعه فرمایید.